

رئیس‌جمهور:

ملت ایران در برابر دشمن تسلیم نخواهد شد

رئیس‌جمهور در جلسه کارگروه بازسازی خسارات ناشی از جنگ تحمیلی سوم تصریح کرد: دولت هراچه از منابع و امکانات در اختیار داشته، برای جبران خسارات مردم ناشی از جنگ به میدان آورده است و اگر همه ظرفیت‌های ملی، مردمی، خیرخواهانه و اجرایی در کنار یکدیگر قرار گیرند و هم‌افزایی لازم ایجاد شود، از مرحله بازسازی نیز مانند سایر مراحل با موفقیت عبور خواهیم کرد. دکتر مسعود پزشکیان با تأکید بر ضرورت همراهی اجتماعی و درک متقابل شرایط کشور اظهار کرد: ملت ایران در برابر دشمن هرگز سر خم نخواهد کرد و اگر سخنی از گفت‌وگو یا مذاکره مطرح می‌شود، معنای آن تسلیم یا عقب‌نشینی نیست، بلکه هدف، احقاق حقوق ملت ایران و دفاع مقتدرانه از منافع ملی است. رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به دشواری‌های طبیعی ناشی از جنگ تحمیلی اخیر اظهار داشت: در چنین شرایطی، ماندن، ایستادگی و تحمل سختی‌ها و مشکلات، گاه از شهادت نیز دشوارتر است و مردمی که با صبر، مقاومت و تحمل در میدان باقی مانده‌اند، در حقیقت در حال انجام «جهاد اکبر» هستند.

دکتر پزشکیان همچنین بر ضرورت حفظ روحیه همبستگی ملی، تقویت سرمایه اجتماعی و استمرار مشارکت عمومی در روند بازسازی و عبور از شرایط فعلی تأکید کرد و گفت: با اتکال به خداوند، همراهی مردم و هم‌افزایی همه ظرفیت‌های کشور، ملت ایران این مرحله را نیز با عزت و سربلندی پشت سر خواهد گذاشت.

یادداشت

دکتر مختار شیخ‌حسینی نویسنده و پژوهشگر

فروریختن اعتماد اعراب به آمریکا

یکی از انگاره‌های ترک برداشته در فضای نخبگانی کشورهای خلیج‌فارس پس از جنگ رمضان، تردید در قابل‌اعتماد بودن آمریکاست. نگاه تحقیرآمیز ترامپ نسبت به این کشورها، به‌تدریج اعتراض نخبگانی در کویت و سایر کشورها را به‌دنبال داشته است. صحبت‌های دکتر عبدالله الشایبی، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه کویت، کارشناس ارشد مسائل آمریکا و مشاور سابق مجلس کویت، دیدگاه طیفی از نخبگان را روایت می‌کند:

«آمریکا ما را وارد یک جنگ غیرضروری کرد؛ جنگی که برنامه ریزی درستی نداشت. با ما هماهنگ نشده بود؛ با روپا هماهنگ نشده بود.

وقتی آمریکا با تکبر و از بالا به پایین به‌صورت تحقیرآمیز با هم‌پیمانی مثل ناتو صحبت می‌کند؛ دیگه تکلیف ما روشن است.

-ترامپ اصلا قابل اعتماد نیست و باید از او دوری کرده و تلاش کنیم بدون تحریک او، دوره‌اش تمام شود.

پیش‌فرضی که فرضیه شد

انگاره امنیت بخش بودن پایگاه‌های آمریکایی برای کشورهای حوزه خلیج‌فارس ـ با توجه به هزینه سالانه این کشورها برای خرید تسلیحات از آمریکا ـ در دهه‌های اخیر تبدیل به امری پیش‌فرض(قطعی و غیرقابل‌خنده) در نگاه تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران این کشورها شده بود. با جنگ رمضان، این انگاره، ترک برداشته و به‌تدریج صدای نخبگانی در این کشورها شنیده می‌شود که پایگاه‌های امنیت‌بخش سابق را دلیلی برای حمله ایران و ایجاد ناامنی در این کشورها می‌دانند.

صحت‌های دکتر فیصل آئوصلیب، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه کویت و مؤلف کتاب«السیاسه الخارجیه الامیریکیه تجاه منطقه الخلیج، والمحافظون الجدد» که در رسانه‌های منطقه رویکرد ضدایرانی را ترویج می‌کند؛ نمونه‌ای از این تغییر یا تأکید بر گزاره‌ای ذیل است:
-این جنگ نقطه مهمی برای تجدیدنظر در مناسبات کشورهای خلیج‌فارس با آمریکاست.
-آیا با وجود امکانات نظامی خریداری شده توسط کشورهای خلیج‌فارس، ضرورتی به حضور آمریکا در این منطقه وجود دارد؟
-آیا باید به تعطیلی پایگاه‌ها یا راهکار جایگزین اندیشید.
-ساجنگ همراه پرسش‌هایی خواهد بود که ضرورت پایگاه‌ها را زیر سؤال می‌برد.

صدای تجدیدنظرطلب نسبت به تداوم پایگاه‌های آمریکایی در کویت و کشورهای منطقه، نشان از ترک‌برداشتن انگاره‌ای دارد که تا پیش از جنگ«پیش‌فرض» تلقی می‌شد و اکنون فقط درحد«فرضیه»(امر قابل تردید) مطرح است.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) به حضرت آیت‌الله

سیدمجتبی خامنه‌ای گزارش آمادگی نیروهای مسلح را داد.

سرلشکر پاسدار خلبان علی عبداللهی، فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) ضمن شرفیابی به محضر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله‌العالی گزارشی از آمادگی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی، امنیتی و مرزبانی کشور، وزارت دفاع و بسیجیان قهرمان تقدیم کرد.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) در این گزارش اظهار کرد:

آحاد رزمندگان اسلام به‌لحاظ روحیه رزم آمادگی دفاعی و هجومی،

چند خبر که در ظاهر مستقل به‌نظر می‌رسند، زمانی که در کنار هم قرار

می‌گیرند، از یک تغییر عمیق تر در صحنه

نبرد حکایت دارند؛ تحولات دو روز اخیر

دقیقا از همین جنس است. دیدار

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با

رهبرمعظم انقلاب آیت‌الله سیدمجتبی

حسینی خامنه‌ای، پیام سردار رشید

اسلام سیدمجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه، هشدار

نیروی دریایی سپاه و در نهایت ارسال پاسخ جمهوری اسلامی ایران

به آخرین متن پیشنهادی آمریکا برای خاتمه جنگ، چهار خبر

جداگانه نیستند. چهار ضلع یک تصویر واحدند.

این تصویر، از ورود جنگ تحمیلی سوم به مرحله‌ای تازه خبر

می‌دهد؛ مرحله‌ای که در آن، وضع میدانی و وضعیت سیاسی

بیش از هر زمان دیگری در هم تنیده‌اند. اگر تا دیروز بخش اصلی

تقابل در میدان نظامی تعریف می‌شد، اکنون جمهوری اسامی

می‌خواهد که از دل همان برتری میدانی، قواعد مرحله پایان جنگ

رانیز بازتعریف کند.

معادله جدید در محاصره دریایی

در دیدار فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا با فرمانده معظم کل قوا،

گزارشی از آمادگی ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نیروهای

انتظامی امنیتی و مرزبانی، وزارت دفاع و بسیجیان قهرمان ارائه شد

و در مقابل نیز تدابیر مقتدرانه برای مقابله با دشمن ابلاغ گشت.

همچنین پیام سیدمجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه

که تأکید کرد موشک‌ها و پهپادها بر مواضع دشمن قفل شده و

منتظر فرمان شلیک هستند، صرفاً یک هشدار تبلیغاتی نبود. این

پیام اعلام رسمی استمرار همان آمادگی دفاعی و هجومی است که

در گزارش قرارگاه خاتم‌الانبیا مورد تأکید قرار گرفت.

اما مهم‌ترین تحول، در پیام نیروی دریایی سپاه آشکار شد؛ جایی

که هشدار داده شد هرگونه تعرض به نفتکش‌ها و کشتی‌های

تجاری جمهوری اسلامی ایران، تهاجم سنگین علیه یکی از مراکز

آمریکایی در منطقه و کشتی‌های دشمن را در پی خواهد داشت.

هشدار جدید نیروهای مسلح، به‌ویژه هوافضا و نیروی دریایی سپاه،

معادله جدیدی را در حوزه محاصره دریایی ایجاد کرده است.

تا پیش از پیام مهم و راهبردی نیروی دریایی سپاه، الگوی حاکم،

«کشتی در برابر کشتی» و «نفتکش در برابر نفتکش» بود اما از

این پس، مراکز آمریکاً نیز در این معادله قرار گرفته‌اند. این یک

جابه‌جایی مهم راهبردی است.

چرا؟ چون گستره عملیات‌های خصمانه آمریکا در کل آب‌های

آزاد، که تا فیانوس هند و شرق آسیا امتداد دارد، تناسبی با گستره

محدود خلیج‌فارس و تنگه هرمز ندارد. همچنین، نوع و تعداد

شناورهای ایرانی مورد تعرض آمریکا نیز تناسبی با نوع و تعداد

شناورهای دشمن ندارد.

یادداشت

یدالله جوانی تحلیلگر مسائل سیاسی

مرگ یک ابر قدرت در تنگه هرمز

نبردهای دریایی شب‌های گذشته در محدوده تنگه هرمز و از جمله رویارویی نظامی ایران با ارتش تروریستی آمریکا در شامگاه پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت و بامداد جمعه، از یک واقعیت پیش‌رودرآینده‌نشدن چندان دور حکایت می‌کند.

گویا خداوند متعال اینچنین تقدیر کرده تا پایان ابرقدرتی آمریکا،

به دست ایرانی‌ها و در تنگه هرمز رقم بخورد. گویا همان‌طور

که فرعون هنگام غرق شدن به همراه سپاهیان‌ش در رود نیل،

به خود آمد و لکن دیگر دیر شده بود تا خود را نجات دهد؛

چنین سرنوشتی هم برای فرعون زمان ما یعنی ترامپ متوهم،

جانی‌تکار و آدم‌خوار با آن پرونده‌ش را برآورد، پستین‌از، سوی خداوند

متعال تقدیر شده تا در آب‌های خلیج‌فارس به هلاکت برسد.

جنگ تحمیلی سوم به ایران، در درون‌ش رمز و رازهای عجیب و

غریب بسیار دارد.

دشمن آمریکایی با رهبری ترامپ متوهم، تصور یک جنگ

برق‌آسانی نهایت ۱۰۰ ساعت، آن هم با به دست آوردن

مجموعه‌ای از پیروزی‌های راهبردی را داشت؛ اما نه تنها به

هیچ‌یک از آن اهداف راهبردی اعلامی نرسیده بلکه اینک با یک

ایران جدید در جایگاه ابرقدرتی مواجه شده که بر یکپدنی‌ترین

گذرگاه آبراه‌ی جهان مسلط شده است.

عبارت‌های زیر درک این واقعیت پدیدآمده را آسان می‌کند:

سی‌ان‌ان: تسلط بر تنگه هرمز، توان استراتژیک جنگ را به نفع

ایران تغییر داده است.

نیویورک تایمز: تنگه هرمز قدرت‌بازدارنده ایران است.

نیویورک تایمز: آمریکا در چهار جبهه از ایران شکست خورده،

اول و مهم‌تر از همه، شکست در تنگه هرمز است.

رئیس‌جمهور فلاندا: تنگه هرمز به سلاح هسته‌ای ایران

تبدیل شده است و پیامدهای آن نه تنها بر قیمت‌های

انرژی و نفت بلکه بر کود شیمیایی، مواد غذایی و تجارت نیز

رهبرمعظم انقلاب در دیدار فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)

تصمیمات جدید برای تداوم برخورد مقتدرانه با دشمنان را ابلاغ کردند

تدابیر فرمانده

طرح‌های راهبردی و تجهیزات و تسلیحات مورد نیاز برای مقابله با

اقدامات خصمانه دشمنان آمریکایی – صهیونی از آمادگی بالایی

برخوردار هستند و در صورت هرگونه خطای راهبردی، تعرض و

تجاوز از سوی آنان با سرعت عمل، بردشت و بر قدرت بآن برخورد

خواهند کرد. سرلشکر پاسدار خلبان علی عبداللهی از سوی

آحاد رزمندگان اسلام و نیروهای مسلح به فرمانده معظم کل قوا

مدظله‌العالی اطمینان داد که با تبعیت کامل از فرامین معظم‌له

تا پای جان و تا آخرین نفس از آرمان‌های انقلاب اسلامی، سرزمین

عزیزمان ایران، حاکمیت و منافع ملی و ملت غیرت‌مند و شجاع

ایران دفاع می‌کنند و دشمنان خبیث، کینه‌توز و متجاوز را از نیات

پلید و تجاوزکارانه خود پشیمان خواهند کرد.

نیروهای مسلح کشورمان برای اجرای سیاست جدید ایران جهت مقابله با دشمن آماده‌اند

در انتظار دستور شلیک



موضعی ومقطعی در تنگه هرمز، هم حاکمیت مطلق ایران بر تنگه را

تضعیف کند و هم با رازهای بین‌المللی نفت رانسبت به این تنش‌ها

واکسینه کند.

اما هشدار تازه جمهوری اسلامی، جلوی این عادی سازی

درگیری‌های جزئی در تنگه هرمز را می‌گیرد. از این پس، هر اقدام

خصمانه دشمن بلافاصله در نتیجه واکنش قاطع نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی، آثاری خواهد داشت که در بازارهای بین‌المللی

دیده خواهد شد.

دیپلماسی نامتقارن در سایه اقتدار میدانی

در چنین بستری است که خبر چهارم معنای کامل خود را پیدا می‌کند؛ پاسخ جمهوری اسلامی ایران به آخرین متن پیشنهادی آمریکا برای خاتمه جنگ، یک‌شنبه به میانه‌ی پاکستانی ارسال شد

اما اهمیت این خبر، بیش از آن‌که در اصل ارسال پاسخ باشد، در

شیوه و زمان آن نهفته است.

هیچ پاسخی از سوی ایران به درخواست‌های آمریکا برای توافق

پایان جنگ تا الان داده نشده بود. این تاخیر، تأخیری انفعالی

نبود؛ بخشی از یک منطق تازه بود. منطق این است که ایران

اساساً ضرب‌الاجل‌های آمریکا را دیگر معتبر نباید بداند و باید این

تهدیدهای ضرب‌الاجلی را بی‌اعتبار کند.

این تغییر، محصول یک تجربه روشن تاریخی است. دشمنی که به

هیچ توافقی عمل نکرده و هر بار خیانت خودش را به شیوه‌های

یادداشت

داوودمنظور رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

اقتصاد صبر و جامعه در جنگ

این یادداشت در پی آن است که یکی از ابعاد کمتر برجسته اما بسیار حیاتی پیام رهبر انقلاب به مناسبت اربعین قائد شهید را تحلیل کند؛ بعدی که به مدیریت

زندگی اجتماعی در شرایط جنگی می‌پردازد. هدف این

تحلیل، تبیین این نکته است که چگونه پیام رهبر انقلاب،

با ارائه توصیه‌هایی مشخص به آحاد مردم تلاش می‌کند

جامعه را برای مواجهه با پیامدهای طبیعی جنگ آماده

سازد و در عین حال، از بروز فرسایش اجتماعی و گسست

درونی جلوگیری کند.

در پیام رهبر انقلاب، نخستین توصیه با نگاهی واقع‌گرایانه

آغاز می‌شود: «همه آحاد ملت سعی در مراعات یکدیگر

داشته باشند تا از ناحیه کمبودهایی که اثر طبیعی هر

جنگی است، فشار کمتری بر اقشار مختلف وارد گردد.»

این جمله نشان‌دهنده پذیرش صریح وجود مشکلات

و کمبودهاست. برخلاف برخی روایت‌ها که ممکن است

صرفاً بر جنبه‌های حماسی تأکید کنند، در اینجا پیام رهبر

انقلاب به‌طور مستقیم به پیامدهای ملموس جنگ در

زندگی روزمره اشاره می‌کند.

اما در کنار این واقع‌گرایی، یک راه‌حل نیز ارائه می‌شود:

«مراعات یکدیگر». این توصیه، یک اصل اخلاقی را به یک

ابزار مدیریتی تبدیل می‌کند. در این نگاه، کاهش فشارهای

اقتصادی و اجتماعی، تنها برعهده ساختارهای رسمی

نیست بلکه به رفتار متقابل مردم نیز وابسته است. بدین

ترتیب پیام رهبر انقلاب، نوعی «اقتصاد اجتماعی همدلی»



رمضان) که در پرتو عنایات الهی، پیروزی‌های شگفت‌انگیزی را

به‌دنبال داشت و دشمنان را در دستیابی به اهداف پلیدشان

ناکام گذاشت تدابیر جدید و راهگشایی را برای تداوم اقدامات و

مقابله مقتدرانه با دشمنان ابلاغ فرمودند.

مرسوم گفت‌وگو و دیپلماسی، واضح‌تر از قبل نشان داده، طبیعی

است که دیگر نمی‌تواند همان قواعد گذشته را بر مذاکرات تحمیل

کند. در چنین شرایطی، ابزارهای حصول توافق با آمریکا و ضمانت

وفاداری او به توافقات تحمیلی، باید متفاوت باشد. همان‌گونه که

هرگونه توافقی با دشمن باید در نهایت هدفش ایجاد بارآزندگی

حداکثری و جلوگیری از تحمیل جنگی دیگر باشد، شیوه‌های

دیپلماسی آن نیز باید مانند جنگ سخت نظامی و نامتقارن باشد.

اما دیپلماسی نامتقارن یعنی چه؟

دیپلماسی نامتقارن یعنی بی‌توجهی به ضرب‌الاجل‌ها،

قطعی نکردن هیچ پیشنهادی مگر پس از ارزیابی مستمر رفتار آمریکا

در طول مذاکره، ایجاد امکان تغییر پیشنهادها و حتی پس‌گرفتن

آن‌ها در تناسب با رفتار خصمانه واشنگتن، چه در صحنه دیپلماسی

و چه در صحنه میدانی نظامی.

از همین منظر، پاسخ ایران را نباید یک پاسخ شکلی یا صرفاً

دیپلماتیک دانست. این پاسخ، در واقع اعلام چارچوب مذاکرات

پایان جنگ است. در این چارچوب، نخستین اصل، اصرار بر

حاکمیت همیشگی ایران بر تنگه هرمز است.

این موضوع، علاوه بر یک ضرورت منطقی، عقلی و راهبردی، دارای

مبانی حقوقی روشن و مورد تأکید قاطع و صریح رهبری معظم

انقلاب و خواست موکد و تغییرناپذیر مردم است.

به همین دلیل، حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به هیچ‌وجه برگه‌ای

مذاکراتی برای توافقی بر سر پایان جنگ نیست. اگر چیزی در این باره

قابل مذاکره باشد، صرفاً از سرگیری تردد شناورها مطابق با قواعد

روشن جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح پس از پایان محاصره

دریایی است، نه بازگشت به وضعیت قبل از جنگ.

اصل دوم، خسارت‌ها و غرامت‌های ناشی از این جنگ تحمیلی

است. این خسارت‌ها عقلاً، منطقاً و قانوناً باید محاسبه و دشمن

وادر به پرداخت آن شود. در کنار آن، رغب انسداد از دارایی‌های

ایران نیز شرط ایران برای پذیرش پایان جنگ است.

اصل سوم، شمول پایان جنگ بر جبهه مقاومت است.

همان‌گونه که آمریکا سال‌ها با تمام توان و امکانات از متحدانش

حمایت کرد و سرانجام نیز در شرکت با آنها جنگی تمام‌عیار را به

ایران تحمیل کرد، جمهوری اسلامی نیز با صراحت و روشنی از

متحدان خود در جبهه مقاومت حمایت می‌کند و سرنوشتی

یکپارچه را برای این جبهه در نظر دارد. از این رو، شمول پایان جنگ

بر جبهه مقاومت، به‌ویژه لبنان، از اصول اساسی و غیرقابل تغییر

ایران برای پایان جنگ است.

و سرانجام، اصل چهارم، رفع تحریم‌های ظالمانه و لغو قطعنامه‌های

ضدایرانی.

این صرفاً یک مطالبه اقتصادی نیست. این خواسته به‌منزله

تأکید بر تغییر نقشه سیاسی جهان پس از شکست سنگین آمریکا و

متحدانش در برابر ایران است. در واقع، این همان گزاره‌ای است که

اکنون بر تمام تحولات سایه انداخته است.

را پیشنهاد می‌دهد؛ اقتصادی که در آن، تعاملات انسانی نقش مهمی در کاهش آسیب‌ها ایفا می‌کند.

در ادامه، پیام رهبر انقلاب به تلاش‌های مدیریتی نیز اشاره می‌کند: «این کمبودها... به لطف تلاش‌های

برادران و خواهران شما در دولت و نهادهای دیگر، تا حد قابل توجهی مدیریت شده است.» این جمله، دو

کارکرد همزمان دارد. از یک سو تلاش می‌کند اعتماد به

ساختارهای اجرایی را تقویت کند و از سوی دیگر نشان

می‌دهد که مدیریت بحران در جریان است و وضعیت،

رها نشده است. این نوع بیان می‌تواند از شکل‌گیری

احساس بی‌پناهی یا بی‌اعتمادی جلوگیری کند.

بخش دیگری از این توصیه‌ها، به حوزه رسانه و ادراک